

## ۸ مارس روز جهانی زن



تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در شهرهای مختلف ۱۱ کشور، راهپیمائی، میتینگ، سخنرانی و نمایشگاه فیلم و عکس برپا میکند

دستاوردهای مشترک

صفحه ۲

حمله به کمونیسم

صفحه ۳

تظاهرات شبانه

در سندرچ

صفحه ۳

جبهه ملی

صفحه ۴

### رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۸۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

### ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

### رادیو انترناسیونال

(بخش کردی)

روزهای پنجشنبه هر هفته

از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم

بعد از ظهر به وقت تهران

موج کوتاه ردیف ۳۱ متر

برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز.

ایران است.

در فنلاند با تلاش اسماعیل

ویسی دبیر کمیته حزب در فنلاند

تا کنون اتحادیه های کارگران

فلز و اتحادیه کارگران مواد

شیمیائی با امضای این

قطعنامه از مطالبات کارگران

ایران حمایت کرده اند.

حزب کمونیست کارگری تلاش

میکند سند پایه ای مطالبات

کارگران ایران را به تصویب

تعداد هرچه بیشتری از

سازمانهای کارگری در کشورهای

مختلف برساند.

**زنده باد همبستگی بین المللی**

**کارگران**

**آزادی، برابری، حکومت**

**کارگری**

تشکیلات خارج کشور حزب

کمونیست کارگری ایران

۱ مارس ۲۰۰۱ - ۱۱ اسفند

نشستی داشت که با استقبال آنان روبرو شد. همانجا قطعنامه و اطلاعیه مربوطه را تکثیر کرده و در اختیار نمایندگان قرار میدهند. بیش از ۳۰۰ نماینده حاضر در کنفرانس "سند مطالبات پایه ای کارگران ایران" را امضا میکنند. با تلاش شهناز مرتب همچنین اتحادیه فلز آلمان که ۲/۷ میلیون عضو دارد قطعنامه مطالبات پایه ای کارگران ایران را امضا کرده است.

در استرالیا با تلاش اسعد سلیمانی دبیر کمیته حزب در این کشور، نمایندگان اتحادیه های خدمات عمومی، اتحادیه کارگران کشتیرانی، اتحادیه کارگران انرژی، برق، ارتباطات و اطلاعات، اتحادیه کارگران مانوفاکتورها و نیز حزب کمونیست استرالیا قطعنامه را امضا میکنند. کمیته اول مه استرالیا از دیگر امضا کنندگان سند دفاع از مطالبات کارگران

### صدها نماینده اتحادیه کارگری آلمان اسناد مطالبات پایه ای کارگران ایران را امضا کردند

است، حمایت کنند. روزهای ۱۹ تا ۲۱ فوریه در شهر دوسلدورف آلمان کنفرانس سراسری نمایندگان اتحادیه پست این کشور برگزار شد. صدها نماینده از طرف "هیئت اجرایی شوراهای کارگران و کارمندان واحدهای پست در آلمان برای بررسی وضعیت کارگران پست جمع شده بودند. این کنفرانس به نمایندگی از ۲۴۰ هزار کارگر پست برگزار شده بود. شهناز مرتب کادر حزب کمونیست کارگری و عضو شورای ۲۵۰۰ کارگر بخش محل کار خود و عضو هیئت اجرایی شورای منطقه ای، یکی از شرکت کنندگان این کنفرانس بود. شهناز مرتب برای جلب حمایت نمایندگان از قطعنامه، با رئیس هیئت اجرایی کنفرانس

در ادامه کمپین برای آزادی محمود صالحی دبیر سندیکای نانوایان شهر سقز، که تاکنون با جلب حمایت بیش از ۳۰۰ اتحادیه و سازمان کارگری در اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آسیا موفقیت چشمگیری داشته است، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری تصمیم گرفت که سندی حاوی مطالبات پایه ای کارگران ایران تنظیم کند و حمایت سازمانهای کارگری را از آن جلب کند. بدین منظور این سند تهیه شد و اصغر کریمی دبیر تشکیلات خارج کشور حزب طی نامه ای به سازمانهای کارگری و احزاب و نیروهای مترقی در سراسر جهان، خواست که از این سند که در برگزیده برخی از مهمترین مطالبات و حقوق کارگران ایران

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## دستاورد های مشترک

آقایان ایلخانی زاده - مهتدی و شرکا به حزب دمکرات کردستان پیبوندید



رحمان حسین زاده

به نظر من اگر جسارت تا به آخر رساندن خطی را که در پیش گرفته اند، داشته باشند و اگر بخواهند موقعیت محکمی در جنبش ملی (همان چیزی که این آقایان دوست دارند به نام جنبش کردستان از آن نام ببرند) دست و پا کنند و همانطور که آرزوی شخصی آقایان مهتدی و ایلخانی زاده است بخواهند سری در میان سران ناسیونالیست کرد باشند مسیر سر راست اینکار پیوستن به صفوف حزب دمکرات است. این سیاست و آینده آن بیشتر به نفعشان تمام خواهد شد، پس اجازه میخوام تا دلایلم را بیشتر توضیح بدهم. این جماعت و آقایانی را که اسم برده ام خوب میشناسم. حرکت و مسیر سیاسی آنها، چرخشها و نوسانات آنها، پیشرفتهای و پس رفتهایشان، شکستها و ناکامیهایشان، تصمیم و بی تصمیمی آنها را در بیش از دو دهه اخیر از نزدیک شاهد بوده و تعقیب کرده ام. چه زمانیکه در صف حزب کمونیست و کومه له با هم بودیم و چه بعدتر و در یکدهه اخیر به سهم خود در برخورد به سیاست و عملکرد آنها از زوایای مختلف نوشته و اظهار نظر کرده ام. در میان بررسیها و ارزیابیهای مختلف که میتوان از حرکت آنها داشت، این مسئله برجسته تر است که اینها سیاستمداران کوچکی اند که جسارت و اعتماد بنفس کافی تحقق و اجرای خط مشی مورد نظر خود را ندارند و در مقاطع مختلف آن را از خود نشان داده اند. برای مثال عمر ایلخانی زاده در پلنوم شانزدهم حزب کمونیست ایران از خود انتقاد نمود که در مقابل کمونیسم کارگری "به افق دیگری متکی شد" اگر همانوقت مصلحت گرایی نمیکرد، به جای مظلوم نمایی و احساساتی شدن و استمداد طلب بخشش از پلنوم جسارت لازم را داشت و پر همان افق خود که بعدا هم آن

را ادامه داد پافشاری میکرد، در تحولات بعدی درون کومه له و در کمپ ناسیونالیسم درون و بیرون آن وزن و موقعیت دیگری پیدا میکرد. نمونه دیگر در مقطع بحران خلیج که عبدالله مهتدی خط مشی ناسیونالیستی خود را در قالب قطعنامه های پیشنهادی به دفتر سیاسی وقت ارائه داد، به جای سبک و سنگین کردنهای خرد و کوچک، به جای محافظه کاری و تاخیرها و زیگزاگهای متعدد کل افق و سیاست خود را میگفت و برای آن نیرو جمع میکرد، شاید امروز در چنین موقعیت مفلوکی نمی بود. در هر حال به اصل بحث برگردیم این جماعت با ادعای هدایت "جنبش کردستان" که همان اسم رمز جنبش ملی و ناسیونالیستی است به میدان آمده اند. اما واضح است فاقد جسارت و حتی شرایط و ابزار تحقق این هدف اعلام شده خود هستند. هر کسی که اندک آشنایی و تجربه سیاسی از کردستان داشته باشد. به خوبی میدانند که با جمع شدن مجموعه کسان شکست خورده سیاسی، کسانی که به قلم خود ۱۷-۱۸ سال گذشته آنها چیزی جز ناکامی سیاسی نبوده و بر آن خط سیاه کشیده اند، نمیتوان رهبر هیچ جنبش و جریانی شد. تازه در این مورد مشخص با پلاتفرم خودمختاری و فدرالیسم پا به میدان گذاشته اند، که حزب دمکرات بیش از ۵۰ سال است، این مطالبات را به دوش میکشد. بعید است جنبش ناسیونالیستی در کردستان ایران رهبری تاکنونی خود را فقط به خاطر آرزوهای قلبی آقایان مهتدی و ایلخانی زاده و امثالهم کنار بزند و گروه تازه سرهم بندی شده آنها که طبق اطلاعیه اخیرشان ۱۷ سال قبل خود را منحل کرد و خود اینها از امضاکنندگان انحلال آن بودند، در راس خود قرار دهد. این دیگر حساب دو دو تا چهار است و اگر هر کس مثل این آقایان در رویاها و خیالافیهای خود غرق نشده باشد، درک آن برایش ساده است. شکی نیست اینها هم به عنوان یک گروه ناسیونالیستی در آرایش سیاسی جامعه کردستان وجود خواهند داشت، اما موقعیتی همچون

حزب زحمتکشان قادرعزیز و یا حسک محمد حاجی محمود در حاشیه جریان مادر (اتحادیه میهنی) را دارا خواهند بود. با ادامه خط مشی فعلی در جبهه جنبش ناسیونالیستی به گروهی کوچک و کم تاثیر در حاشیه حزب دمکرات کردستان ایران تبدیل میشوند. اگر نخواهند به چنین سرنوشتی دچار شوند و در معادلات سیاسی ایندوران کردستان به حساب آیند، اگر نخواهند سرنوشتی مشابه حسک و زحمتکشان در کردستان عراق را داشته باشند، اگر نخواهند به شخصیتهای درجه چندم جنبش ملی و ناسیونالیستی تبدیل شوند، عاقلانه ترین کار برای آنها پیوستن به حزب دمکرات است. برای بعضیها این سوال مطرح میشود که با توجه به سابقه گذشته آنها و اینکه در صف کومه له رادیکال گذشته در مقابل حزب دمکرات بوده اند آیا امکان جذب آنها در حزب دمکرات و تبدیل شدن به عناصری در رهبری این حزب برای آنها وجود دارد. به نظر من درست به همین دلیل و بعلاوه اینکه این گذشته را نفرین میکنند میتوان تصور کرد که شرایط پذیرش آنها فراهم است که مقداری بیشتر آن را توضیح میدهم.

- حزب دمکرات به عنوان چپهای سابقی که دوباره در "آغوش گرم ملت" جای گرفته و "حقانیت" جنبش ملی و ناسیونالیستی و پلاتفرم خودمختاری آن را نه تنها تبلیغ بلکه تئوریزه میکنند. از هم اکنون در رثای ۲۱ ریبیه ندان سالروز تاسیس جمهوری مهاباد میگویند و مینویسند، آنها را اسکورت خواهد کرد و در هر جا که بتواند با عزت و احترام منبر در اختیارشان میگذارد.

- حزب دمکرات عمق ضدیت آنها با کمونیسم کارگری و حتی با اندک چپ گرایی دوره اخیر کومه له را درک کرده است و بر روی آن حساب باز میکند.

- حزب دمکرات به عنوان رهبران سابق کومه له که از چپ گرایی گذشته آن سازمان شیمانند، از ایستادگی و جنگ با حزب دمکرات شیمانند، بر خلاف آن گذشته الان حزب دمکرات را جزو "جنبش انقلابی و جنبش برحق" مردم میدانند و دستاوردهای کنگره آن را دستاورد خود میدانند، نهایت استفاده

سیاسی را میبرد. حزب دمکرات با پیوستن آنها "حقانیت و مشروعیت" برای خود و گذشته اش دست و پا میکند و عناصری از آنها را در رهبری خود جای میدهد تا وظیفه این کسب "مشروعیت" را در بالاترین سطح به جای آورند. همانکاری که امثال ملا بختیار برای اتحادیه میهنی در کردستان عراق بر دوش دارند. خلاصه کنم حزب دمکرات یک حزب سیاسی است و بعید است منافع و مصالح خود را تشخیص ندهد. به نظر من سیاستها و تلاشها و اقدامات یک دهه اخیر این جماعت را در راستای منافع خود میداند، با جذب آنها خود را تقویت میکند. کارنامه این جماعت از نظر حزب دمکرات و جنبش ناسیونالیستی بی تردید نمره قبولی میگیرد دلیلی نیست که این حزب آنها را با آغوش باز نپذیرد. موانع سر راه چنین تصمیمی سیاسی نیست، چون تفاوت سیاسی چشمگیری بین حزب دمکرات و اینها وجود ندارد. بلکه مشکل اینها همان معضل مزمن قدیمی است. مهتدی - ایلخانی زاده و دیگر شرکایشان در رهبری این گروه تا کنون نشان داده اند که عناصر با صلاحیت و صاحب اراده برای نمایندگی کردن همان افق ناسیونالیستی خودشان هم نیستند. جسارت تغییر شیفتهای و تحولات را منطبق با آرزو و آمال و نیازهای خود را ندارند، در نتیجه چنین انسانهای کوچکی در عالم سیاست چیزی جز شکست و ناکامی سیاسی به دست نمی آورند، همانطور که در کارنامه تاکنونیشان هم سراغ ندارند. اما اگر از تجربه تاکنونی خود درس بگیرند و به جای حرکت لاک پشتی، یکسره خود را به حزب مادر وصل کنند، شانس و آینده بهتری خواهند داشت. احتمال میروم این جماعت و بویژه ایلخانی زاده و مهتدی جای پای محکمی در حزب دمکرات به دست آورند. چون استعداد خوبی در خودرا منطبق کردن و گنجاندن با شرایط جدید را دارند، "دگم" نیستند به راحتی میتوانند تغییر نظر بدهند، رنگ عوض کنند، همرنگ جمع جدید شوند،

## حمله به کمیونسیم

## رژیم فشار در استان رقیب!



حسین مرادیگی

دمکرات با ایجاد حزب جدید در کردستان ایران یکی از این نمونه هاست.

بعلاوه مطالبات ملی حزب دمکرات نیز از چهار چوب خواستها و مطالبات دیگر ناسیونالیستهای کرد طرفدار رژیم و جناحهای آن یعنی آنهائی که اکنون در داخل ایران در چهارچوب تلاش برای حفظ رژیم اسلامی و تعهد به "ولایت فقیه" در پی برآورد کردن آند عملا فراتر نرفته است. من بحث مفصل تر در مورد علل واقعی این وضعیت را به نوشته دیگری موکول میکنم. به این دلیل ناسیونالیستهای کرد خارج حزب دمکرات بویژه ناسیونالیستهای دوحرداری شده از "انحصار طلبی" رهبری سنتی حزب دمکرات که به نظر آنها دیگر زیادی است، زبان به انتقاد و گله گشوده اند و در پی "ملای مدرن" تری هستند که "فضای باز دمکراسی" را در این حزب "تهادینه" کند. نوشته های اینها بعضا از سایت کردستان پرس پخش میشود و حزب دمکرت نیز با همان شیوه و فرهنگ ۳۰ سال قبل خود این جماعت را میکوبد و تحقیر میکند.

جواب نمایندگی حزب دمکرات در خارج کشور و برآشفته شدن ملا احمد عایشه‌ای از اینها در همین سایت، نمونه گویائی از برخورد غیر سیاسی و همیشگی حزب دمکرات به مخالفین سیاسی خود ولو در میان طیف ناسیونالیستهای جنبش ملی کرد است.

ملا احمد عایشه ای که البته درس خوانده مکتب حزب دمکرات است، در نوشته خود وقتی پای کمیونسیم را به میان میکشد، دارد به شیوه رهبری حزب دمکرات دشمنی عمیق این حزب علیه آزادیهای سیاسی، علیه کمیونسیم و فعالیت کمیونسیتی و چپ را، حداقل در دو دهه اخیر در کردستان ایران، وقتی که این حزب ناتوانی سیاسی خود را در تقابل با پیشروی کمیونسیم

در سایت کردستان پرس نوشته فردی به نام ملا احمد عایشه‌ای چاپ شده است. این شخص ظاهرا دارد به انتقاد فرد دیگری از حزب دمکرات که نامش موکریان است، جواب میدهد. اما وی در نوشته خود برآشفته به همه کمیونسیمها و چپها از زمان انقلاب اکتبر به بعد میتازد و در نهایت با پرخاش کردن به کمیونسیم کارگری میخواهد جنگ حزب دمکرات علیه کومهله را بگردن ما بیاندازد و به آقای موکریان نیز نهیب میزند که چرا اینها را نمیبیند.

در واقع حرف دل ملا احمد به آقای موکریان هم این است که چرا ایشان و امثال ایشان انتقاد از جدائی و انشعاب در میان کمیونسیمها و چپها که از انقلاب اکتبر به بعد تا امروز ادامه داشته و بویژه بزمع او اعترافات منصور حکمت در تئوری "سه ضلع"، علیه حزب دمکرات را بفراموشی سپرده اند در عوض این روزها حزب دمکرات را چسبیده اند و دارند از این حزب انتقاد میکنند.

من لازم میبینم جواب کوتاهی به نوشته ملا احمد عایشه ای بدهم. اما قبل از این ترجیح میدهم که در مورد سابقه انتقاداتی که در این دوره از جانب ناسیونالیستهای کرد بویژه در خارج کشور از حزب دمکرات مطرح میشود، توضیح مختصری بدهم.

واقعیت این است که حزب دمکرات مدتهاست توانائی رهبری کل حرکت ناسیونالیستی در کردستان ایران را از دست داده است. این بار ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران مدعیان و سخنگویان ناسیونالیست دیگری غیر از حزب دمکرات را چه در داخل و چه در خارج کردستان ایران پیدا کرده است. این مساله رهبری سنتی حزب دمکرات را به تکاپو واداشته است که به هر ترتیب که شده موقعیت سابق خود را در رهبری این جنبش حفظ کند. مخالفت سال گذشته رهبری حزب

از سال ۶۲ به بعد حزب دمکرات که با اقیعت ملموس گسترش کمیونسیم و پراتیک کمیونسیتی کومهله در آن دوره روبرو شد، و توانائی تقابل سیاسی با آن را ابا در خود نمیدید، ناچار برای قطع این پروسه و جلو گیری از رشد و دامنه فعالیت کمیونسیتی به نشان دادن ضرب شست، اما این بار در قالب تحمیل جنگ سراسری به کومهله، متوسل شد، باوجود اینکه مساله جدیدی پیش نیامده بود به تصویب رساند و آن را عملا به اجرا گذاشت که نتیجه آن را هم دید که به احتمال قوی ملا احمد هم آن را بیاد دارد.

پرونده حزب دمکرات در دشمنی آشکار با آزادیهای سیاسی و کمیونسیم و چپ سیاه تر و قطور تر از آن است که بشود آن را لاپوشانی کرد. تاریخ دو دهه اخیر فعالیت سیاسی حزب دمکرات را از هر کجای آن که ورق بزنی به دشمنی عمیق حزب دمکرات با آزادیهای سیاسی، با کمیونسیم و پراتیک کمیونسیتی و کارگری و دفاع از مذهب و ارتجاع و خرافه و عقب ماندگی در جامعه کردستان روبرو میشوی. این با تار و پود ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات در کردستان تنیده شده است. \*\*\*

## رادیو انتر ناسیونال

## را روی اینتر نت بشنوید

www.radio-international.org

## روزنامه اینترنتی روزنه کلیه

## اطلاعیها و مقالات رسیده

از نویسندگان و سازمانهای گوناگون

را منتشر میکند

روزنه هر روز منتشر میشود

www.rowzane.com

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمیونسیت کارگری

## را بخوانید!

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمیونسیت کارگری

## تظاهرات شبانه در سنندج

\* بعد از قطع برق در یک منطقه شهر، مردم بمدت ۳ ساعت بر علیه رژیم به تظاهرات پرداختند.

شب (۷ اسفند ۷۹) در ساعت ۱۰، بعد از اصابت یک تریلی با دو تیر برق در محله گلشن در شهر سنندج، محلات چهارراه برق، میدان نبوت، کانی کوزله و گلشن تاریک میشود. مردم این محلات در اعتراض به تاریکی از خانه هایشان بیرون میآیند و اعتراض دسته جمعی آنان اوج میگردد. مردم در گروه های مختلف به تظاهرات میپردازند و بر علیه رژیم شعار میدهند. این تظاهرات بمدت ۳ ساعت ادامه پیدا میکند. نیروهای اطلاعاتی و انتظامی میخواهند که مردم را به خانه هایشان برگردانند اما مردم با آنها درگیر میشوند و چند نفر از افراد رژیم را کتک میزنند.

در این تظاهراتها و در درگیری با مامورین رژیم ۱۲ نفر دستگیر میشوند. قطع برق در این محلات امروز هم ادامه داشته است.

کمیته کردستان حزب کمیونسیت کارگری ایران ضمن حمایت از تظاهرات مردم مبارز شهر سنندج، همه شهرهای کردستان را فرا میخواند مبارزات خود را در همه اشکال و در هر فرصتی بر علیه رژیم گسترش دهند. همه دستگیرشدگان تظاهراتهای اخیر مردم بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی کمیته کردستان حزب کمیونسیت کارگری ایران  
۸ اسفند ۷۹  
۲۶ فوریه ۲۰۰۱

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



# حلول هادی غفاری در جبهه ملی

ایرج فرزاد

به چند جمله از اعلامیه نیروهای جبهه ملی در گوتنبرگ سوئد توجه کنید:

"در هنگامه‌ای که این راد مرد بزرگ تاریخ ایران می‌رود تا بار دیگر تبدیل به سمبل مقاومت جوانان در برابر استمگرایی رژیم جمهوری اسلامی شود، کارگزاران رسمی انصار حزب‌الله، و ده نمکیها و حسین شریعتمداریهای خارج از کشور به پشت گرمی اربابان داخلی خود جسارت را تا بدان حد رسانده‌اند که بخود جرات میدهند به نام و حرمت مصدق بزرگ از طریق بوقهای تبلیغاتی خود توهین روا دارند و نام پاک او را آلوده دهانهای کثیف گردانند."

و "جواب ما به یاهو گویان و عوامل رژیم، آنهم ستون پنجم جناح واپسگرایی نظام جمهوری اسلامی در خارج کشور این است:

ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه توست ...

ما عمیقا معتقدیم که رادیوی وابسته به حزب کمونیست کارگری در شهر گوتنبرگ یک پوزش بملت ایران بدهکار است" این جملات را در پاسخ به مصاحبه اصغر کریمی با رادیو همبستگی در شهر گوتنبرگ سوئد که در روز پنجشنبه ۲۲ فوریه انجام شد، نوشته‌اند. اصغر کریمی از برخورد مصدق به زنان، به کارگران و به اسلام انتقاد کرده بود.

جملات آشنا هستند، فتوا علیه کمونیستها با آن جملات "زیبا"

که کنه تمام تمرین "دمکراسی" و "پلورالیسم" آنها را و ماهیت واقعی ادامهدندگان اسطوره‌های جریان ملی-مذهبی را بی پرده بیان میکند. این جملات را در دفاع از مصدق و راه مصدق نوشته‌اند. مصدقی که در اوج قدرت و در زمان نخست وزیری‌اش، در برابر فشار جریانات اسلامی و آیت‌الله کاشانی ضد کمونیست و مرتجع، زنان را از حق رای محروم کرد. این جملات را مسئولین جبهه ملی نوشته‌اند، همان جریانی که در سالهای تزلزل حکومت شاه، سنجایی را خدمت "علیحضرت" فرستاد تا بتواند راهی برای بقا او بیابد و این فقط مبارزه مردم بود که خیانت را عقیم گذاشت.

این همان جبهه ملی است که آدمهایش را فرستاد پاریس خدمت امام و از اولین عناصر تشکیل دهنده دولت برگزیده او شدند. این همان جبهه ملی است که امثال بنی صدر و چمران و یزدی را در دامن خود پرورده است. اینهایی که از مشاورین نزدیک خمینی بودند، ارتش و سازمان امنیت را برای جمهوری اسلامی بازسازی کردند و سپاه پاسداران را برایش بنیان گذاشتند، آنهایی که در همان سالهای اول حکومت اسلامی، فرمانده ارتش و نخست وزیر و وزیر خارجه بودند، و فرمان هجوم به کارگران اعتصابی و مردم کردستان و ترکمن صحرا را اجرا کردند، آنهایی که هنوز پایشان گرم نشده بود، اعلام کردند، شورا

دورنهای اول کف چرانی و عریده‌کشیهای امثال هادی غفاری شبیه اند.

اما بیچاره‌ها نمی‌فهمند، که حتی سران رژیم پی برده‌اند که روش ماشالله قصاب و لاجوردی و هادی غفاری، مردمی را که به مصاف رژیم آمده‌اند نمی‌ترساند، نمی‌فهمند که کف چرانی علیه حزب کمونیست کارگری در ذهن مردم ایران فقط به معنی خدمت به رژیم اسلامی است آنهم درست در شرایطی که رژیم دارد نفسهای آخر خود را میکشد. و حزب کمونیست کارگری در صف مقدم سرنگونی طلبی است.

بلافاصله بعد از هتکای به حزب کمونیست کارگری و صدور فتوا، زعمای جبهه ملی ترسیدند، عقب نشستند و در سکوتی ناشی از پشیمانی از داد و فغان هیستریک اولیه، هوا را پس دیدند و سعی کردند به سوراخهای خود بخزند. اما ما ول کن نیستیم، نخواهیم گذاشت مرتجعین یکبار دیگر تجربه انقلاب ۵۷ را تکرار کنند، نخواهیم گذاشت یک جریان مرتجع، برخاسته از طبقات استثمارگر و سرمایه‌دار "ایرانی"، جریانی اسلام زده و سرتا پا مسئول و سهم در بنیانگذاری این رژیم خود را در حاله‌ای از تقدس بیوشاند و حریمی غیر قابل بحث و انتقاد برای خود ایجاد کند. ما این حصارهای ممنوعه را در هم خواهیم کوفت، کل تاریخ آنها را برای توده‌های مردم ایران، توضیح میدهیم و جایگاه آنها را در دفاع از طبقات استثمارگر، در دفاع از مذهب و اسلام، و در دفاع و پاسداری از کیان و تاج و تخت و عمامه و نعلین ارتجاع و استبداد به مردم نشان

خواهیم داد. ما وظیفه خود میدانیم که ماهیت سیاسی کل طیف اپوزیسیون ملی-مذهبی و اسطوره‌های آنها را به مردم بشناسانیم، و خواهیم شناساند. هیچ درجه از شانتاژ و شالارتانیسم ما را از بیان حقیقت باز نمی‌دارد. ما مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران را از نقطه نظر منافع توده‌های مردم ایران، کارگران، زنان و جوانان و منافع و حقوق کودکان به نقد کمونیستی و انقلابی کشیده‌ایم و این جهت گیری را قاطعانه ادامه خواهیم داد. اگر صد هزار اعدام، ۲۲ سال کشتار و شکنجه و ارباب اسلامی و تعقیب و آزار کمونیستها توانسته است، سدی در برابر عرض اندام کمونیسم در حیات سیاسی جامعه ایران ایجاد کند، هارت و پورت و کف چرانیهای جبهه ملی رانده شده به اپوزیسیون در خارج کشور هم میتواند، از اراده ما برای دفاع بی‌تزلزل از منافع کارگران و مردم ایران جلوگیری کند. ما پته کل تاریخ جبهه ملی را روی آب خواهیم انداخت. اگر توطئه مشترک امپریالیستها و جریانات ملی-مذهبی در کنفرانس گوادلوپ توانست منجر به اعلام این حقیقت تلخ شود که "مردم برای اسلام به خیابانها ریختند"، حزب کمونیست کارگری این بار نخواهد گذاشت طیف میلیون مردم را زیر عکس مصدق و جبهه‌ملی ببرند. مردم را برای آزادی، برابری و رفاه و سعادت انسانها به خیابان میکشانیم. به ارتجاع ملی-مذهبی فرصت دوبارهای نخواهیم داد.

\*\*\*

میشوند. نیروهای انتظامی وسایل مردم کول به ر را که روی اتوبوس بوده، می‌خواهند با خود ببرند ولی مردم بر سر راه شان مانع ایجاد میکنند و باز هم درگیر میشوند. نیروهای انتظامی در مقابل مردم معترض ناچار میشوند دستگیر شدگان را همانجا آزاد کنند و مقداری از وسایل برده شده را نیز از آنها پس میگیرند.

مقاومت مردم در مقابل نیروهای انتظامی و کتک کاری آنها وسیعا در منطقه پیچیده و موجب خوشحالی همه شده است. ■

و غیره نشان دهند. به نظر میرسد این راه واقعی برای تامین جاه طلبیهای امثال مهتدی و ایلخانیزاده هم باشد. پس درنگ نکنید و به حزب دمکرات بپیونید.

\*\*\*

**درگیری مردم با مزدوران نیروی انتظامی در ترمینال شهرک سول آوا در منطقه مروان.**

روز ششم اسفند ساعت ۹ صبح، گروهی از مردمان کول به (مردمی که با کول از عراق وسایلی مثل چایی و پارچه ...

می آورند تا در شهر های ایران بفروش برسانند) مورد حمله نیروهای انتظامی قرار میگیرند. آن گروه از مردم در مقابل شان مقاومت میکنند و درگیر میشوند. در جریان درگیری دو طرف، نیروهای انتظامی کتک میخورند و ۴ نفرشان زخمی میشود. از مردم هم یک نفر به نام رضا قربانی زخمی میشود. مردم اطراف که متوجه جریان میشوند، به کمک مردم درگیر میشتابند. همزمان چند ماشین نیروی کمکی برای مزدوران میرسد و در ادامه گیری ده نفر بازداشت

## \*\*\*دستاوردهای مشترک

تحصیل کرده و اروپا دیده اند بسیار بیشتر از رهبری عقب مانده فعلی حزب دمکرات با اوضاع جدید آشنایند. عقل حکم میکند و فکر میکنم نسل جدید حزب دمکرات هم بنا به نیاز زمانه امثال اینها را بر ملا عبدالله و ملا حسن و دیگر شخصیت‌های سنتی این حزب ترجیح دهند. نمیشود خیلی زود دبیرکلی "کاک عبدالله" را در حزب دمکرات پیش بینی کرد، لازمست مدتی دندان روی جگر بگذارند.